

**از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید**

**جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای**

**اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور**

**ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی**

**گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی**

**جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل**

**و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت**

**حکومت اسلامی در ایران**

- کنش های دامنه دار کارگران مجتمع تولیدی ساحل صید کنارک در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق

- ادامه کمک های خودجوش جمعی از اهالی سیستان و بلوچستان در زاهدان و در حوالی مرز میوک به افغانستانی ها

- اطلاعیه شورای هماهنگی در محکومیت برخوردهای غیرانسانی با کودکان افغانستانی

- بیانیه کانون نویسندگان ایران:

به سرکوب و اخراج نژادپرستانه‌ی مهاجران افغانستانی پایان دهید

- بیانیه "انجمن یاری کودکان در معرض خطر" در اعتراض به رد مرز کودکان

- مقابل رد مرز کودکان مهاجر و بی‌پناه سکوت نکنیم

- وضعیت بحرانی ارغوان فلاحی و تلاش نهادهای امنیتی جهت اخذ اعترافات اجباری از وی

\*\*\*\*\*

\*کنش های دامنه دار کارگران مجتمع تولیدی ساحل صید کنارک در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق

روزیکشنبه 15 تیر، کارگران مجتمع تولیدی ساحل صید کنارک واقع در شهرک صنعتی کنارک شهر چابهار استان سیستان و بلوچستان از کنش های دامدارشان در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه 500 حقوق، خبر دادند.

آنها به خبرنگاریک منبع خبری محلی گفتند: با وجود مشکلات اقتصادی شدید و تأمین معیشت خانوار، آنها تاکنون بارها برای پیگیری وضعیت حقوق معوقه خود به مسئولان شرکت مراجعه کرده‌اند، اما پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای از مدیران شرکت دریافت نکرده‌اند.

آنها افزودند: با اینکه عمده نیروی انسانی شرکت از اهالی بومی کنارک هستند و بسیاری از آنها تنها منبع درآمدشان همین شغل است، اما بی‌توجهی مدیران شرکت به مشکلات آنها، باعث بروز فشارهای شدید مالی و روانی بر کارگران شده است.

### **\*ادامه کمک های خودجوش جمعی از اهالی سیستان و بلوچستان در زاهدان و در حوالی مرز میلک به افغانستانی ها**

روزهای شنبه و یکشنبه 14 و 15 تیر، جمعی از اهالی زاهدان و حوالی مرز میلک به کمک های خودجوش به افغانستانی ها مبنی بر توزیع آب معدنی، نان، هندوانه و گوجه در بین آنها ادامه دادند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، جمعی از اهالی زاهدان با راه اندازی ایستگاهی خودجوش در نزدیکی اردوگاه الغدیر، مشغول بسته بندی اقلام ضروری و انتقال آنها به داخل اردوگاه الغدیر زاهدان و یا به اتوبوس های راهی سمت مرز هستند.

یکی از جوانان که مشغول ضبط کنترل روند جمع آوری کمک هاست، به این منبع گفت: مردم می توانند کمک های خود را به این ایستگاه مقابل اردوگاه الغدیر زاهدان بیاورند. اقلام ضروری که الان واقعاً نیاز داریم، شامل، شیر خشک، پوشک بچه، گوجه فرنگی، پنیر و خرماست.

او همچنین با اشاره به وضعیت سخت مهاجرین افغانستانی، افزود: در داخل اردوگاه الغدیر، خانواده های زیادی هستن که حتی بچه کوچیک دارند و شیر خشک ندارند. ما اینجا جمع می کنیم و با کمک مردم به دست شون می رسونیم.

همچنین در سه راه میرزاخان واقع در حوالی مرز میلک در شمال بلوچستان، جمعی از اهالی در یک اقدام انسان دوستانه در حال جمع آوری و توزیع کمک به مهاجران افغانستانی هستند. این کمک ها شامل آب آشامیدنی، مواد غذایی و سایر اقلام ضروری ست که توسط مردم محلی برای پناهجویانی که در روزهای اخیر از مناطق مختلف ایران به سوی مرز رانده شده اند، فراهم شده است.

### **اطلاعیه شورای هماهنگی در محکومیت برخوردهای غیرانسانی با کودکان افغانستانی**

محمد حبیبی/سخنگوی شورای هماهنگی

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران با نگرانی عمیق، موارد مکرر خشونت، تحقیر، طرد و تبعیض علیه کودکان افغانستانی ساکن ایران را رصد کرده و این گونه برخوردهای ضدانسانی را به شدت محکوم می کند.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون جهانی حقوق کودک پیوسته و متعهد شده است که تمامی کودکان در قلمرو حاکمیتی‌اش را بدون تبعیض، مورد حمایت، آموزش و مراقبت قرار دهد. نقض این تعهدات، صرفاً یک تخطی حقوقی نیست، بلکه لکه ننگی بر وجدان عمومی جامعه ماست.

بویژه که خبرهایی نگران کننده از رد مرز کودکان و دختران افغانستانی بدون حضور والدین آنها گزارش شده است. به علاوه بسیاری از این کودکان در حالی رد مرز می‌شوند که همه‌ی مدارک اقامتی قانونی در ایران را دارند یا اصلاً در ایران متولد شده‌اند. بسیاری از آنها پس از رد مرز به دلیل جنسیت خود حق برخورداری از آموزش را از دست می‌دهند.

از طرف دیگر تصاویر منتشر شده از محل نگهداری اتباع افغانستانی در شهرهای مرزی، نشان دهنده عدم برخورداری از حداقل‌های حقوق انسانی بویژه در مورد کودکان است.

همه این موارد نقض کننده قوانینی است که جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی پایبندی به آن را پذیرفته است.

ما به عنوان معلمان این سرزمین، بر این باوریم که هیچ خط مرزی، ملیتی یا کاغذ هویتی نباید مانع دسترسی کودکان به آموزش، امنیت و کرامت انسانی باشد.

ما از تمامی نهادهای مدنی، فرهنگی، آموزشی و حقوق بشری می‌خواهیم در برابر این روند خطرناک و ضدانسانی سکوت نکنند. دفاع از حقوق کودکان، دفاع از آینده‌ی انسانیت است.

**\*بیانیه کانون نویسندگان ایران:**

**به سرکوب و اخراج نژادپرستانه‌ی مهاجران افغانستانی پایان دهید**

در هفته‌های اخیر اخبار برخوردهای خشن با پناهندگان افغانستانی موجی از خشم و نگرانی در جامعه‌ی بیدار ما برانگیخته است.

روند افغانستانی‌ستیزی، به‌ویژه پس از آتش‌بس، چنان ابعاد هولناکی به خود گرفته است که تن به رفتارهای شنیع فاشیستی و ناسیونالیستی می‌زند. در جریان تبلیغات ضدافغانستانی، مهاجرانی که سال‌های دراز است در ایران زیسته‌اند به یک‌باره و بدون ارائه سند یا دلیل مشخصی به جاسوسی برای اسرائیل متهم شده‌اند و با رفتارهای به غایت نژادپرستانه به صورت فله‌ای و بسیار اهانت‌آمیز از ایران اخراج می‌شوند.

اخراج اجباری بیش از ۲۰ هزار خانوار پناهنده از ستم حکومت فوق‌ارتجاعی طالبان ستمی آشکار بر مردم بی‌پناهی است که در کشور مبدأ خود با مخاطرات جانی مواجه‌اند.

رفتار تبعیض‌آمیز با پناهندگان افغانستانی همواره مایه‌ی نگرانی بوده است اما از سال ۱۴۰۲ به این سو این روند شتاب خطرناکی به خود گرفته است به گونه‌ای که حاکمیت با قطع تدریجی خدمات اندک آموزشی، بانکی و بهداشتی ارائه شده به این مهاجران و برخورد خشن و پلیسی با آنها سعی کرده است مهاجران را وادار به ترک کشور کند. از جمله این اقدامات می‌توان به قطع تأسفات خدمات

آموزشی به کودکان افغانستان اشاره کرد که اغلب بدون دخالت دولت و توسط نهادهای خیریه بخش خصوصی در حال انجام بود و با ممنوعیت‌های ایجاد شده توسط دولت دیگر ادامه پیدا نکرده است.

ستیز با مهاجران و اخراج آن‌ها بخشی از پروژهای گروه‌های نژادپرست و ناقض حقوق مسلم انسانی است که در سال‌های اخیر در نقاط مختلف دنیا قدرت را در دست گرفته‌اند. این اندیشه‌ی سیاسی متعلق به کسانی است که با سوءاستفاده از اضطرار پناهندگان به خود اجازه می‌دهند هم نیروی کار آن‌ها را هدف استثمار قرار دهند هم از آن‌ها در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان اهرم فشار استفاده کنند. کسانی که مرزهای قراردادی را بهانه‌ای برای عبور از مرزهای انسانیت و عدالت قرار داده‌اند.

کانون نویسندگان ایران بر مبنای روح کلی منشور و اساسنامه خود از حق امنیت، سرپناه و زندگی انسانی برای همگان بی‌هیچ قید و شرط حمایت می‌کند و رفتارهای نژادپرستانه و شوونیستی را خواه از سوی حکومت و خواه از سوی گروه‌های دست‌راستی افراطی محکوم می‌کند و خواهان توقف این چرخه‌ی ستم و نامردمی است که به‌راستی در حکم وهن به حیثیت انسان مترقی است.

کانون نویسندگان ایران

۱۵ تیر ۱۴۰۴

### **\*بیانیه "انجمن یاری کودکان در معرض خطر" در اعتراض به رد مرز کودکان**

این بیانیه برای روزهای تلخ و ناگواری‌ست که در آن با اشک و آه کودکانی روبه‌رو هستیم که امیدشان به تحصیل، امنیت و آینده‌ای روشن در سرزمینی دیگر، ناگهان فرو می‌ریزد. کودکانی که هراسان و نگران، همراه با خانواده‌های آواره‌شان، ناگزیر به بازگشت به سرزمینی می‌شوند که از آن گریخته بودند؛ جایی که نه امنیت دارند و نه امید، نه تعلقی به آن احساس می‌کنند و نه پناهی برای زیستن.

با نهایت تأسف باید گفت که سیاست‌های سخت‌گیرانه، شتابزده و ضد مهاجرتی، بدون آینده‌نگری و در فقدان عقلانیت و تدبیر، به اجرا درآمده است؛ سیاستی که نه‌تنها در پنهان‌کاری شکل گرفت، بلکه با بی‌توجهی مزمین به پیامدهای انسانی، اجتماعی و اخلاقی، سال‌ها مهاجران را در وضعیت نیمه‌قانونی، بی‌پناه و بی‌صدا نگاه داشته تا به‌عنوان نیروی کار ارزان، بی‌حقوق و آسیب‌پذیر به‌کار گرفته شوند و بار ناکارآمدی‌ها و مشکلات ساختاری کشور را بر دوش کشند.

ما شاهد بودیم حتی کارخانه‌های بزرگ یکی پس از دیگری تعطیل شدند، اما کارگاه‌های زیرزمینی و مراکز غیررسمی بازیافت، با جذب کودکان و بزرگسالان مهاجر، در سکوت کامل و بی‌قانونی ادامه یافتند. کودکانی که شبانه و در شرایطی ناامن از مرز عبور داده می‌شدند و مستقیماً به کارهای طاقت‌فرسا مانند زباله‌گردی و کار اجباری گماشته می‌شدند. اینجا اگرچه جنگی رسمی در جریان نبود، اما زندگی شب و روز مهاجران، شبانه‌تی تلخ به اردوگاه‌های کار اجباری داشت. آن‌ها برای زنده‌ماندن، برای لقمه نانی ناچیز، جان می‌گنند؛ بی‌آنکه صدای‌شان شنیده شود.

و امروز، همان کودکان، همان خانواده‌هایی که در حاشیه‌ها، در آلودگی‌ها و در سخت‌ترین شرایط ممکن تنها برای آموزش و آینده فرزندان‌شان پناه آورده بودند، با خشونت بی‌رحمانه از سرزمین ما رانده می‌شوند. خانه‌های اجاره‌ای خود را ناچار رها می‌کنند، بیعانه‌هایشان بازگردانده نمی‌شود و به اردوگاه‌هایی در مرزها فرستاده می‌شوند که حتی نان و آب کافی ندارند.

ما، سازمان‌های مدنی، فعالان اجتماعی، و انسان‌هایی از دل همین جامعه، سال‌هاست درباره نقض حقوق کودکان هشدار داده‌ایم. تأکید ما همواره بر اجرای اصول کنوانسیون حقوق کودک بدون هیچ‌گونه تبعیض بوده است.

چرا باید کودکان قربانی تصمیم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی شوند؟

در کدام ماده از قوانین ملی یا بین‌المللی، «اخراج» برای کودکانی که نه تهدیدی‌اند و نه مجرم، قابل توجیه است؟

چه کسی پاسخ‌گوی سرنوشت دخترانی خواهد بود که اکنون باید به دست‌ان طالبان سپرده شوند؟

چه نهادی مسئول رنج روانی، بی‌خانمانی و محرومیت تحصیلی این کودکان است؟

ما هشدار می‌دهیم:

-اخراج کودکان، نقض آشکار و فاحش حقوق بشر است. حمایت از آن‌ها نه لطف، بلکه وظیفه حاکمیت‌ها و جامعه بین‌المللی است.

-ما خواهان توقف فوری روند اخراج کودکان مهاجر هستیم.

-ما خواهان ایجاد مسیرهایی قانونی، ایمن و انسانی برای حمایت از این کودکان هستیم.

-ما خواهان پایان دادن به نفرت‌پراکنی رسانه‌ای و بی‌تفاوتی مسئولان نسبت به رنج انسانی هستیم.

بباید زخم‌های مهاجران را عمیق‌تر نکنیم. بباید به‌جای دشمن‌سازی، به همدلی تاریخی، انسانی و فرهنگی با مردم افغانستان تکیه کنیم؛ مردمی هم‌درد و هم‌سرنوشت، که امروز صدایشان در گلو خفه شده است.

کودکان را اخراج نکنید.

کودکان را نجات دهید.

پیش از آن‌که دیر شود.

**\*مقابل رد مرز کودکان مهاجر و بی‌پناه سکوت نکنیم**

جعفر ابراهیمی

درباره جنگ و پیامدهایش موضع‌گیری‌های متعددی صورت گرفته است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران نیز که تشکلی مستقل در داخل است، موضعی گرفت بر مبنای اصول صنفی،

آموزشی و رویکرد اجتماعی. بیانیه شورا را می‌شود در ادامه مسیر چندساله تشکل‌های صنفی عضو در راستای اجتماعی شدن بیشتر تحلیل و بررسی کرد.

با اینکه شورای هماهنگی قبلاً بارها درباره پیامدهای جنگ هشدار داده بود، اکنون که جنگ رخ داده و کشور نه در حالت آتش‌بس، که در تعلیق است و برخی پیامدها سریعاً آشکار شده‌اند، شاهد موضع و نظر بخش متشکل جنبش معلمان در این زمینه نیستیم.

امنیتی شدن فضای عمومی کشور، نتیجه بلافصل جنگ بود که جامعه در آن نقشی نداشت. از نموده‌های اصلی این وضعیت، فشار بر فعالان سیاسی و اجتماعی، گسترش اعدام‌ها، سرکوب و بازداشت‌های گسترده بود.

جلوه برجسته اجتماعی این فضای جدید، اجرای سیاست اخراج مهاجران به بهانه مقابله با اتباع غیرقانونی است. این سیاست ضد انسانی و نژادپرستانه، چنان ضربتی و شتابزده اجرا شد که طبق اخبار بیش از ۶ هزار کودک بدون والد رد مرز شده‌اند. چه سرنوشت تلخی در انتظار این کودکان است!

در اقدام اخیر حکومت برای اخراج اتباع به اصطلاح غیرقانونی، مواد کنوانسیون حقوق کودک نقض شده است.

مهم‌ترین مواد کنوانسیون که مستقیماً به حقوق کودکان مهاجر مرتبند:

ماده ۲ – کشورها باید تمام حقوق مندرج در این کنوانسیون را بدون تبعیض از جمله بر اساس نژاد، ملیت، وضعیت مهاجرتی، یا وضعیت والدین برای تمام کودکان تضمین کنند.

ماده ۳ – در تمام اقداماتی که بر کودک تأثیر می‌گذارد، منافع عالی‌ه کودک باید در اولویت باشد.

ماده ۶ – همه کودکان حق دارند زنده بمانند و رشد کنند.

ماده ۷ – کودک حق دارد از بدو تولد دارای نام، تابعیت و در صورت امکان، والدین خود را بشناسد و تحت سرپرستی آنان باشد.

ماده ۹ – کودک نباید از والدین خود جدا شود، مگر به حکم دادگاه و فقط به دلیل منافع کودک

ماده ۲۲ – کشورها باید اقداماتی انجام دهند تا از کودکان پناهنده یا کودکانی که به‌تنهایی به کشور وارد شده‌اند حمایت و مراقبت شود و سازمان‌های بین‌المللی مسئول نیز در این روند مشارکت داشته باشند.

ماده ۲۸ – همه کودکان حق آموزش دارند و کشورها باید آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای همه فراهم کنند.

ماده ۳۷ – کودک نباید تحت شکنجه، مجازات یا رفتار ظالمانه قرار گیرد. بازداشت فقط در شرایط استثنایی و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن باید انجام شود.

حکومت با سوار شدن بر موج ملی‌گرایی احساسی ناشی از جنگ و مقصر جلوه دادن مهاجران، نه تنها مسئولیت ناکامی خود در جنگ را نمی‌پذیرد، بلکه با کمک جریان‌ات راست افراطی (حتی در میان برخی نیروهای اپوزیسیون) می‌کوشد مهاجران افغانستانی را عامل اصلی تمام مشکلات معرفی کند.

صحنه‌های زشت و نفرت‌آلودی که علیه مهاجران در نقاط مختلف کشور در جریان است، گواهی است بر موفقیت نسبی این رویکرد فاشیستی. پیش از اخراج از آموزش و پرورش، بیست سال در مناطق حاشیه‌ای تهران تدریس کرده‌ام. در این مدت، دانش‌آموزان افغانستانی بین ۵ تا ۱۰ درصد از کلاس‌ها را تشکیل می‌دادند. با اینکه در مناطقی فقیر، حاشیه‌نشین و پراسیب تدریس می‌کردم که نزاع‌های فردی و جمعی در آن رایج بود، هرگز شاهد صفت‌بندی «افغانستانی/ایرانی» میان کودکان نبودم. اختلافات در همان سطحی بود که بچه‌های تُرک با کُرد یا لُر با دیگران داشتند. نه کینه‌ای بود و نه نفرتی.

این حاکمیت، رسانه‌ها، نظام آموزشی و برخی بزرگ‌ترها هستند که کودکان و نوجوانان را به گرایش‌های فاشیستی سوق می‌دهند.

امروز شاهد ویدئوهایی هستیم که در آن نوجوانان ایرانی، نوجوان افغانستانی را کتک می‌زنند، تحقیر و تهدید می‌کنند و دیگران فقط تماشا می‌کنند.

منکر رشد گرایش‌های نژادپرستانه نیستم اما باور دارم که این تصویر کل جامعه نیست. این چهره‌ای است که با کمک حکومت و حامیان ناسیونالیسم افراطی برجسته می‌شود تا بر ناتوانی‌های حاکمیتی سرپوش بگذارد.

انگار در این وضعیت تعلیق، قرار است در سایه ترسی که برای عموم ایجاد شده مناسبات انسانی نیز به محاق برود. ما چگونه می‌توانیم خود را «معلم» بنامیم، اما در برابر این وضعیت سکوت کنیم؟

چگونه می‌توانیم تحقق حقوق کودکان را آرمان خود بدانیم، اما در برابر چنین فجایی خاموش بمانیم؟

کودک، کودک است و منافع عالی‌ه کودکان را هیچ مصلحت یا قانونی نمی‌تواند نادیده بگیرد. از همین رو، انتظار می‌رود فعالان صنفی، تشکل‌های مستقل معلمان و در رأس آن، شورای هماهنگی، نسبت خود را با وضعیت فاجعه‌بار کنونی روشن کنند: آیا با سکوت، در کنار نژادپرستان و فاشیست‌های در قدرت و بیرون از قدرت ایستاده‌ایم؟ یا در سمت درست تاریخ؟ آیا دفاع از حقوق کودکان فقط شعار است؟ یا بخشی اساسی از باور ما به احقاق حقوق همه کودکان؟

**\*وضعیت بحرانی ارغوان فلاحی و تلاش نهادهای امنیتی جهت اخذ اعترافات اجباری از وی**

ارغوان فلاحی، زندانی سیاسی که برای بار دوم در بهمن ۱۴۰۳ بازداشت شده بود، تحت شکنجه‌های شدید روانی به بندهای ۲۰۹ و ۲۴۱ (بند حفاظت اطلاعات قوه قضاییه) به‌سر بُرد.

در روز دوم تیرماه و پس از جنایت جنگی اسرائیل و حمله به زندان اوین، تا هشت روز هیچ گونه خبری از وضعیت سلامت ارغوان فلاحی و دیگر بازداشت‌شدگان حاضر در بند ۲۰۹ زندان اوین در دست نبود.

در پی پیگیری‌های خانواده، وکلا و فشار رسانه‌ای گسترده، چند تن از این عزیزان توانستند طی تماس کوتاهی خبری از زنده بودن خود و یا محل نگهداری‌شان اعلام کنند.

ارغوان فلاحی که طی پنج ماه گذشته تنها دو تماس تلفنی کوتاه داشت، اذعان کرده است که: «حالا در سلولی تاریک و بی‌نام و نشان نگهداری می‌شود». جایی که نمی‌توان آن را با قاطعیت زندان قرچک و یا بند یک الف شرق تهران دانست. چرا که این واحد امنیتی نیز در پی حملات اسرائیل، با تخریب گسترده همراه شده است.

گزارشات متعدد حاکی از آن است که ارغوان فلاحی همانند #امیرحسین\_اکبری\_منفرد، #محمد\_اکبری\_منفرد و #بیژن\_کاظمی، تحت شکنجه‌های روانی شدید جهت اخذ اعترافات اجباری درباره‌ی دو قاضی ترور شده به‌نام‌های محمد مقیسه و علی رایزنی قرار دارد.

ماه‌ها تداوم بازداشت آنان در سلول‌های انفرادی، محرومیت از حق تماس و ملاقات با خانواده و وکلا و ... همچنین نگهداری آنان در سلول‌های بی‌نام و نشان، نشانگر این است که این‌بار نه‌فقط برای حقوق سلب شده‌ی این زندانیان، بلکه باید برای حفظ جان‌شان کوشید.

برگرفته از کانال بیدارزنی

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)